

وفاق ملی

مبانی نظری و راه کارهای عملی

چرا و چگونه؟

باید گروهی از شما باشند که دعوت به نیکی کنند و امر به آنچه شایسته و نهی از آنچه ناپسند است، بنمایند، و آنان رستگارند. شما همچون کسانی نباشید که با آنکه نشانه‌های روشن بر آنها آشکار گردیده، پراکنده شدند و اختلاف ورزیدند. آنها را عذابی بزرگ است^۱ (آل عمران ۱۰۴ و ۱۰۵)

از مهمترین عواملی که وفاق، همدلی، همکاری و وحدت ماههای قبل و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران را به تدریج تضعیف کرد و از بین برد، در پیش گرفتن سیاست‌های نفی، طرد و حذف و بروز و تشدید تضادها و تعارض‌های ناشی از آن بود. این تضادها و تعارض‌ها و شیوه‌های برخورد با آنها از مهمترین موانع توسعه و پیشرفت جامعه در سال‌های بعد گردید. دامنه تضادها و اختلاف‌ها تنها محدود به تنش‌های سیاسی بین حکومت و جناح‌های سیاسی نگردید، بلکه امور اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی و ارزشی را از فرد و خانواده گرفته تا سطوح مدیریتی جامعه در بر گرفت و حتی بر روابط خارجی آثار گسترده‌ای بر جای گذاشت و موجب تهدیدات و واکنش‌های زیان بار، گسترده و حاد گردید.

وجود تعارض‌ها و دوگانگی‌ها، در گفتار و کردار، نیز بر رنج و نارضایتی ملت افزود. در حالی که مبانی ارزشی انقلاب اسلامی را ایمان، آزادی، عدالت و صداقت تشکیل می‌داد، مردم در عمل شاهد دروغ، تبعیض، ظلم، فساد و فقر بودند. این دوگانگی‌ها نیز ضربات سنگینی بر اعتبار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وارد ساخت.

در پاسخگویی به این انحرافات، مردم ایران در یک اقدام شگفت‌انگیز، نارضایتی و اعتراض شدید خود را نسبت به سیاست‌های گذشته و امیدآوری خود را نسبت به اصلاحات آینده در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ نشان دادند. در انتخابات شوراهای و مجلس ششم نیز اعتراض و عدم رضایت خود را نسبت به سیاست‌ها و عملکردهای قبل به روشنی اعلام داشته، مجدداً در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۰ بر اعتراض و عدم رضایت خود و اصرار بر اصلاحات پای فشردند و نشان دادند که ضمن وفاداری به

^۱ وَأَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۰۴) وَأَلْتَكُونُوا أَكْأَلِدِينَ تُفَرُّ قُوا وَّ اِخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۰۵)

ارزش‌های انقلاب و نظام جمهوری اسلامی خواهان توسعه سیاسی و تحقق جامعه مدنی هستند . هر چند با انتخابات رئیس جمهوری و نمایندگان معتقد به اصلاحات، تحولات ارزشمندی در راستای تحقق اصول و آرمانهای جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت، لیکن با بروز مقاومت‌های قابل پیش‌بینی، اختلافات موجود در بین جناح‌ها نه تنها کاهش نیافت، بلکه فزونی نیز گرفت و نه تنها مانع توسعه و پیشرفت مطلوب شد، بلکه به انسداد نیروهای سیاسی نیز منتهی گردید.

انسداد سیاسی مذکور دو ویژگی دارد: ویژگی اول این که، هر یک از نهادها و نیروهای سیاسی رقیب، محافظه‌کار و اصلاح‌طلب، تمامی تلاش‌ها و امکانات خود را بکار گرفتند تا حریف و رقیب را منزوی و قانع به سهم خود ساخته و یا از صحنه بیرون کنند و اقداماتش را فلج سازند، اما نتوانستند. ویژگی دوم این است که مناسبات قدرت میان هر یک از نهادها و نیروهای سیاسی به گونه‌ای شکل گرفته است که هر کدام از این نیروها و نهادها اگر هم بتواند رقیب را از صحنه خارج کند، خود نیز با او سقوط خواهد کرد. بقا و حیات هر کدام به بقا و حیات گروه و نهاد رقیب بستگی پیدا کرده است. بنابراین وضعیتی بوجود آمده که هیچکدام نمی‌توانند گامی برای حذف رقیب بردارند.

در چنین شرایطی، نیروها و نهادها یا سیاست صبر و انتظار در پیش گرفته‌اند و روزمرگی جو غالب شده است یا آن که هنوز به تقابل‌ها و تشنج‌آفرینی‌ها ادامه می‌دهند. این امر خود به تشدید بحرانها، بخصوص تشدید بحران اقتصادی و گسترش بحران اجتماعی منتهی شده و باعث ائتلاف منابع و تهدید امنیت ملی و تضعیف دولت و ملت و کشور گردیده است. شرایط مذکور، همراه با تشدید تشنجات درهمسایگان و تهدیدهای خارجی، بویژه از سوی آمریکا. موجب شد که بسیاری از مقامات و مسئولین و بسیاری از جناحهای سیاسی به ضرورت وفاق ملی، به عنوان راه حل اساسی بحران‌های موجود، بیش از پیش توجه نموده و روی آوردند.

برای برون‌رفت از این وضعیت نامطلوب بحرانهای اجتماعی، انسداد سیاسی و تهدیدات و خطرات خارجی، دو راه حل اساسی وجود دارد: در محور داخلی، کاهش تشنجات سیاسی با قبول ضرورت وفاق ملی با همه پیش‌نیازها و الزامات اجتناب‌ناپذیر آن و تمرکز امکانات همه نهادها و نیروها بر حل مسائل اجتماعی اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی جامعه. در محور خارجی، ضروری است نگرش تصمیم‌گیرندگان به مناسبات سیاسی بین‌المللی، بخصوص بعد از رخداد شهریور ۱۳۸۰ تغییر نماید و سیاستی متناسب به منظور بهره‌گیری از تمام امکانات داخلی و بین‌المللی اتخاذ گردد. این گونه تهدیدها با توجه به موقعیت استراتژیک ایران هم قابل پیش‌بینی و هم قابل پیشگیری به موقع می‌باشد و می‌توان برای احتراز از آن تدابیری اندیشید.

نهضت آزادی ایران ضرورت حیاتی "وفاق ملی" را بعنوان یک پیش فرض اساسی برای سلامت و پیشرفت و توسعه جامعه پذیرفته، نیازی به اثبات آن از طریق تشریح مسائل، بحرانها، تضادها و تهدیدات جامعه ایران با ارائه آمار و ارقام گوناگون نمی‌بیند و توجه خود را به چگونگی دست یافتن به چنین وفاقی معطوف می‌دارد. اما با توجه به این واقعیت که ملت ایران در سده اخیر دوره‌های کوتاه وفاق را در صدر مشروطیت، نهضت ملی ایران، فرارشاه، پیروزی انقلاب، مقاومت افتخارآمیز و بی‌سابقه در برابر تهاجم عراق و متحدانش، فتح باشکوه خرمشهر، و جنبش دوم خرداد ۷۶ تجربه کرده است و این دوره‌های کوتاه،

همچون شهاب‌هایی در آسمان تاریخ کشورمان درخشیده و ناپدید گردیده‌اند، از خود سوال می‌کند که دست یافتن به وفاقی مطمئن و پایدار، به ویژه در شرایط متغیر و در متن تحولات شدید جهانی، در عصر ماهواره و انقلاب الکترونیک و انفجار اطلاعات، چگونه میسر است و شرایط لازم برای تحقق آن چیست؟ برای پاسخگویی به این سئوالات باید ابتدا معنی و مفهوم وفاق ملی و تفاسیر مختلفی را که در اذهان از آن وجود دارد روشن ساخت و نشان داد که کدام یا چه قرائتی از "وفاق" می‌تواند کشور را از انسدادها بیرون بیاورد و به راه مستقیم توسعه و کمال هدایت نماید و چگونه می‌توان به آن دست یافت.

نهضت آزادی ایران با توجه به مثنی تاریخی "شاهد و واسط" خود، که برگرفته از این کلام الهی است که فرمود: "و بدینگونه شما را امتی میانه‌رو گردانیدم تا نمونه برای مردم باشید و پیامبر نمونه برای شما (بقره-۴۳)"^۱، رسالت و وظیفه خود می‌داند که چون گذشته در این مقطع حساس از تاریخ ایران به رغم محدودیت‌ها و رنج‌های تحمیل‌شده بر آن، تلاش خود را به عمق و غنای بیشتر و پیشرفت و موفقیت جریان وفاق ملی معطوف کند. به این منظور در این مقاله به بررسی مفهوم "وفاق"، نگرش‌های مختلف نسبت به وفاق ملی، موانع وفاق ملی و نقش مطلوب حکومت، گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در تحقق وفاق ملی، از دیدگاه خود، می‌پردازد.

مفهوم وفاق

لغت‌نامه دهخدا کلمه وفاق را یک‌دلی، یک‌جهتی و ضد نفاق معنی کرده است و برخی دیگر از کتاب‌های لغت نیز وفاق را یک‌دلی، همکاری، مدارا، همراهی و سازواری و آن را مقابل "نفاق" معنی نموده‌اند.^۲ در فرهنگ سیاسی حداقل مفهومی که وفاق به ذهن متبادر می‌سازد، کاهش و رفع اختلاف و خصومت و افزایش میزان تحمل و مدارای جناح‌های سیاسی است. برخی از جامعه‌شناسان وفاق اجتماعی را در عام‌ترین معنای خود به صورت‌های زیر تعریف کرده‌اند:

مشارکت داوطلبانه و پیوستن به آرمان‌ها و ارزش‌های مشترک و عمومی بر مبنای قبول قواعد اجتماعی و پیوندهای عاطفی و مشترک ملی، که به تعامل و همگرایی و عمل مشترک منجر شود. اولویت قائل شدن برای منافع عمومی و ملی در برابر رجحان‌های موضعی و گروهی ... نوعی توافق و تفاهم در مقیاس ملی و قبول یک سلسله قواعد و اصول و ضوابط رفتاری و خودداری از تحرکات و کنش‌هایی که موجب گسستگی و پراکندگی گردد. احساس مشترک و هم‌پیمانی برای تراکم انرژی و برخورداری از کمک عقل جمعی برای دست یافتن به پیروزی و توفیق ملی و حفظ حیثیت ملی و کیان نظام سیاسی.

پیش فرض تعاریف فوق قبول وجود اختلافات در جامعه از یک سو و ضرورت رفع آنها از طریق توافق، برای هدفی بالاتر، در این مورد حفظ منافع ملی، از سوی دیگر است. ولی آنچه در تعاریف فوق مورد توجه و تاکید قرار نگرفته است ضرورت یکدلی و یک‌جهتی و احتراز از نفاق (دوگانگی در حرف و عمل) در برخورد با حقوق مردم و اختلافات میان گروه‌ها است. از این رو وفاق را می‌توان به صورت زیر

۱ وکذالک جعلناکم امهً وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول علیکم شهیداً ...

۲ لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ معین و فرهنگ معین

تعریف کرد:

”پرهیز از نفاق و دوگانگی و روی آوردن به صداقت، صمیمیت و یگانگی در فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی، در جهت آرمان‌های مشترک“

اینک با توجه به تعاریف فوق از ”وفاق“، سعی می‌کنیم که چهار نگرش یا برخورد را نسبت به این موضوع مهم ارائه و بررسی نماییم. این نگرش‌ها عبارتند از: وفاق بعنوان یک ضد ارزش، وفاق بعنوان یک تاکتیک، وفاق بعنوان یک استراتژی، وفاق بعنوان یک ارزش.

وفاق بعنوان یک ضدارزش (نگرش انحصارطلبانه)

افراد و گروههایی که دارای این نگرش هستند، ایده‌آل و آرمانهای خود را در گذشته دور و نظام و روابط و مناسبات مندرس قبل از انقلاب اسلامی ایران می‌جویند و با اصول و ارزش‌های انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران مخالف و معتقد به براندازی نظام و در رؤیای تحقق گذاشته‌اند. از آنجا که کاهش تشنجات سیاسی و تحقق وفاق عملاً ”براندازی“ را منتفی می‌سازد، این گروه‌ها نه تنها با وفاق مخالفند، بلکه دست به هر کاری برای شکست آن می‌زنند. علاوه بر این، این گروه‌ها علیرغم ادعای تجدد و تمدن، تغییرات و تحولات جامعه بشری و اندیشه‌ها و نیازهای نوین را در برابر ارزش‌ها و خواسته‌های ارتجاعی و گذشته‌گرایی خود پذیرا نیستند. اما گروه‌های دیگری هم هستند که خواهان براندازی نیستند ظاهراً از نظام جمهوری اسلامی دفاع می‌کنند، اما با تساهل و تسامح و وفاق به معنی مدارا و تحمل مخالف و آن را قبول ندارند و حاضر به گفتگو و تفاهم با دیگران نیستند. خواهان وحدت از نوع ”همه بامن“ می‌باشند. و در این راه از کاربرد خشونت، زور، و روش‌های نامشروع و غیرقانونی ابایی ندارند. محافظه‌کاران خردگرایان و گروه‌های خشونت‌طلب را که معتقد به النصر بالرعب (پیروزی با وحشت) و حرکت قسری یا تحمیل عقاید خود با زور هستند می‌توان متعلق به این نگرش دانست. این گروه اگر هم از وفاق صحبت می‌کنند آنرا در قالب ”همه با من“ می‌خواهند. کسانی هم که برای بازسازی گذشته‌ای که زمان آن سپری گردیده است دم از وفاق و وحدت می‌زنند، تجربه گذشته نشان می‌دهد که اگر مجال زعامت بیابند در استقرار حکومتی جبار و مستبد و تنگ‌نظرانه پروایی نخواهند داشت.

پایه‌های تفکر و نگرش انحصارطلبانه خودبینی، خودشیفتگی، خود بزرگ‌بینی و به تعبیر قرآن استکبار است. خصلتی که به طور طبیعی به آزمندی، تکاثر و تمنای فزونی قدرت، ثروت و شهوت منتهی شده، فرد هویت خود را در نفی اراده، سلیقه و نهایتاً هستی دیگران می‌بیند. از تجلیات خودشیفتگی فقدان توجه اصیل به عالم برون و عدم ارتباط صحیح با دیگران است و عدم پذیرش انتقاد و استحاله واقعیت به نحوی که با خودبزرگ‌بینی فرد تطابق یابد. حکما و خردمندان ما را از این خوی بازداشته‌اند.

تواضع سررفعت افرازدت

تکبر به خاک اندر اندازدت

بگردن فتد سرکش تندخوی

بلندیت باید بلندی مجوی

ز مغرور دنیا ره دین مجوی

خدابینی از خویش‌ترین مجوی (۱)

مرحوم مهندس بازرگان نیز خودپرستی را در مقابل خداپرستی قرار داده و از آن به عنوان بزرگترین

آفت جوامع بشری نام می‌برد:

” برای این که متکبر مرتکب بزرگترین اشتباه شده وجود بینهایت بینهایت کوچک خود را در برابر جهان بینهایت بینهایت بزرگ به چیزی می‌گیرد و بزرگ می‌شمارد ... (در نتیجه) لگدمال و بیچاره‌ترین بیچارها خواهد شد و کارش روز بروز مشکلتر می‌شود: **وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ (لیل ۸۰، ۸۱)**“

روی سوی قبله خودپرستی آوردن، منصب صاحب‌جاهی طلب کردن، نهایتاً به جهت‌گیری مرگ‌پرستانه، خشونت و خسارت و ضدیت با حیات و زندگی منتهی می‌گردد. این خصیصه راهی برای گفتگو، تفاهم، ائتلاف و اتحاد باقی نمی‌گذارد و نهایتاً آدمی را در چاهی خود ساخته واژگون می‌سازد. وفاق ملی ”همه با هم“ است نه ”همه با من“.

وفاق بعنوان یک تاکتیک (نگرش محافظه‌کارانه)

افراد و گروههایی که دارای این نگرش هستند از وضع موجود راضی و بهره‌مند بوده، مخالف بازگشت به گذشته و یا تحولات و تغییرات اصلاح‌طلبانه هستند و خواهان ادامه شرایط موجود می‌باشند. این گروهها برای وفاق ارزش ذاتی قائل نبوده، حاضر نیستند که در شرایط عادی و غیربحرانی گامی در جهت تحقق آن بردارند. این افراد و گروهها تحت شرایط حاد و بحرانی که دلالت بر بن‌بست یا انسداد دارد و در هنگامی که بقاء، حیات و قدرت آنان از ناحیه دشمنان خارجی و یا رقبای داخلی تهدید شود، اجباراً حاضر به گفتگو و یا حداقل تغییر در مواضع و عملکرد خود می‌شوند. این گروهها از ”وفاق“ به منظور حفظ جایگاه و قدرت خود، بعنوان یک ابزار یا تاکتیک، استفاده می‌کنند. برخورد این گروهها با مسائل بحران‌زا می‌باشد. اینان، با زندگی در بحران خو گرفته، و بقای آنان در حادثه‌آفرینی و استمرار بحران‌ها است. این گروهها در شرایط استفاده از یارانه‌های گسترده، مجوزهای تجاری مخصوص (برای واردات)، رانته‌های بی‌حساب و در غیاب ارزیابی عملکردشان قادر به حفظ و بقای خود می‌باشند. تمایل بخشی از این گروهها برای گفتگو و وفاق، به امید باز کردن افقی گسترده‌تر و هدفهایی بزرگتر، به ویژه برای طیف خردگرای این گروهها، بایستی مورد استقبال سایر گروههای معتقد به وفاق قرار گیرد.

وفاق بعنوان یک استراتژی (نگرش اصلاح‌طلبانه)

افراد و گروههایی که به وفاق ملی بعنوان یک استراتژی می‌نگرند، اعم از اصلاح‌طلبان درون یا بیرون حاکمیت و یا محافظه‌کاران خردگرا برای مقابله با انسدادهای داخل و تهدیدات خارج و بهره‌برداری از فرصت‌های محتمل، رفع اختلاف‌ها و تضادها و ایجاد همکاری بین گروهها را برای نیل به هدفها مفید دانسته، آنرا تجویز می‌کنند. در این نگرش وفاق ملی، بعنوان یک استراتژی، در جهت حفظ منافع و امنیت ملی مورد توجه قرار می‌گیرد. این نگرش نه تنها گفتگو و تعامل بین گروههای مختلف سیاسی را مجاز و مفید می‌داند بلکه گفتگوی میان همه گروهها را پیش‌شرط اجتناب‌ناپذیر حصول به ”وفاق ملی“ می‌داند.

تنش‌های سیاسی بیش از آنکه نتیجه اختلافات فکری و مواضع سیاسی باشد، حاصل هم‌کنشی‌ها و یا تقابل‌های غیر مدنی و خشونت‌بار است. از این دیدگاه، تن دادن به وفاق ملی یعنی قبول مقررات و قوانین تقابل‌های سیاسی مدنی، پرهیز از خشونت، احترام، تحمل و مدارا نسبت به سایرگروهها، در چارچوب اصول تعریف شده.

۱ (از خدا پرستی تا خودپرستی مجموعه آثار ۸ ص، ۱۷)

در این نگرش جامعه بشری علی‌الاطلاق جامعه متکثر و چند صدایی به شمار می‌آید و اختلاف و تفاوت‌های فکری و ایدئولوژیک در جوامع انسانی ناشی از ماهیت انسانی آن‌ها در نظر گرفته می‌شود، بخصوص در جوامعی که در حال انتقال و گذار هستند این اختلافات و تشتت آرا به مراتب بیشتر و جدی‌تر است. در چنین جوامعی وفاق الزاماً به معنای دست برداشتن از اختلافات و یا ختم تقابل‌ها، آن هم در کوتاه مدت، نیست. قبول وفاق یعنی تسامح و تساهل و سازگاری از یک طرف و تعامل و همکنشی مدنی میان نیروها از طرف دیگر.

وفاق به عنوان یک ارزش (نگرش حکیمانه)

این دیدگاه، ضمن تایید دیدگاه اصلاح‌طلبانه، دامنه وفاق را به افق‌های بازتر، و ارزش‌ها و اهداف و آرمانهای بلندتری گسترش می‌دهد. از این دیدگاه «وفاق» به معنی «ضد نفاق» است. به معنای راستی، صداقت، محبت و یگانگی است. در این نگاه، مشکلات و بحران‌های سیاسی-اجتماعی و اقتصادی ناشی از اختلاف در اندیشه‌ها، نگرش‌ها و دیدگاهها نیست، بلکه ناشی از تعارض‌های بین گفتارها و کردارها است. همانطور که قبلاً اشاره شده. اختلاف لازمه جامعه بشری بوده، در صورت برخورد صحیح با آن موجب رقابت و پیشرفت می‌گردد، نه خصومت و عقب‌افتادگی. ولی نفاق، دوگانگی، و تعارض در سطوح مختلف جامعه، از فرد و خانواده تا سازمانهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی فرهنگی و دینی موجب مشکلات و بحرانها و انسداد می‌گردد. از این دیدگاه، «وفاق» فقط یک مفهوم سیاسی نیست، بلکه مفهومی است اخلاقی و ارزشی که کلیه مناسبات زندگی آدمی را تحت تاثیر مستقیم قرار می‌دهد. بویژه، یکی از عوامل مهم ایجاد مسائل و بحرانهای سیاسی ناشی از زوال و انحطاط ارزشهای اخلاقی وفاق و جایگزین شدن آنها با فزون‌طلبی در ابعاد قدرت، ثروت، شهرت، لذت ... است.

هنگامی که قدرت‌طلبی، ثروت‌اندوزی، شهرت‌طلبی و بطور کلی دنیاطلبی از یک سو، با ادعاها، شعارها، اهداف و اصول اعلام شده از سوی دیگر در تعارض قرار می‌گیرند افسردگی و بی‌اعتمادی را در کلیه سطوح جامعه اشاعه می‌دهند. در چنین جامعه‌ای مردم عمدتاً نقاب بر چهره می‌زنند. آنچه دیده می‌شود با آنچه در زیر نقاب است تفاوت دارد. این تعارض‌ها روح فردی و جمعی جامعه را بیمار و فرسوده می‌سازد.

ولی نگرش حکیمانه آموزه‌های اخلاقی-دینی و تجربیات بشری را ارج می‌نهد و رمز ماندگاری تمدن‌ها و نظام‌های اجتماعی را اتفاق، انسجام و همدلی می‌داند و معتقد است آدمی هویت و فردیت خویش را در وفاق و یگانگی با هستی و تجلیات الهی در ائتلاف با آدمیان دیگر، که هر یک پاره‌ای از روح الهی و بخشی از حلقه‌های انفکاک ناپذیر هستی‌اند، باز می‌یابد.

از این دیدگاه وفاق ریشه در نظریه عرفانی محبت و الفت دارد :

نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت (۱)

وفاق دریچه‌ای به پرواز روح انسانی به آسمانهای کمال است و نفاق و خلاف کاری شیطانی.

از وفاق ادريس بر رفت از زمین برآسمان وز خلاف ابليس در رفت از بهشت اندر سقر (۲)

تفرقه در روح حیوانی بود

نفس واحد روح انسانی بود^۱

از این دیدگاه آدمیان با اختلافات طبیعی و تفاوت‌های اندیشه مکمل یکدیگر بوده، پایداری و قوام خود را در وجود بی‌گزند مخالف می‌بینند و معتقدند “من هستم”، زیرا “توهستی”، ترا نفی نمی‌کنم، تا خود نیز نفی نشوم.

از دیدگاه حکیمانه، وفاق تنها به منظور دوری و احتراز از خشونت و خسارات ناشی از آن گرامی شمرده نمی‌شود، بلکه بدلیل نقش اساسی آن در ایجاد سلامت روانی افراد، یکپارچگی و همکاری بین آحاد مردم و نهادهای اجتماعی و تسهیل فرآیند رشد و توسعه و ارتقاء سطح کیفیت زندگی است که ارزشمند تلقی می‌گردد. از این رو فرایند وفاق محدود به گفتگوهای سیاسی و ائتلاف‌ها و اتحاد گروههای سیاسی نیست، بلکه کلیه امور خیر را در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، علمی و ... در بر می‌گیرد، و به طور غیرمستقیم نیز فضای سیاسی جامعه را تلطیف می‌نماید. وفاق و مدارا از ویژگی‌های انسانهای آزاده است و بدون انسانهای آزاده، جامعه‌ای آزاد و سالم تحقق نمی‌یابد. یکی از محصولات وفاق در جامعه، نظام سیاسی مشارکت‌آمیز و مردم‌سالاری به معنی عمیق کلمه است. از این لحاظ نظام سیاسی رونمای نظام اخلاقی- فرهنگی جامعه بشمار می‌رود.

سطوح وفاق ملی

بعضی وفاق را به معنی توافق کامل در همه امور، بویژه در اعتقادات، اهداف و راه‌های نیل به آنها می‌دانند، به ضرورت درجات یا سطوح متفاوت وفاق در جامعه بی‌توجه بوده، جامعه را به “خودی” و “غیرخودی” تقسیم می‌کنند و وفاق را تنها میان خودی‌ها قابل طرح می‌دانند. نگاهی به مبانی و آموزه‌های قرآن و سنت و سیره پیامبر(ص) و علی(ع) سرشار از توصیه و تاکید بر مشترکات، مشاوره و تبادل نظر و گفتگو با همه قشرها و گروهها و رعایت حقوق اجتماعی و مدنی کلیه گروههای اجتماعی، اعم از مومن و اهل کتاب و حتی ناباوران می‌باشد و به ویژه بر رابطه مدنی حکومت با کلیه گروههایی که نظم اجتماعی حاکم را پذیرفته‌اند تاکید می‌نماید.^۲ بدیهی است “وفاق” بین گروههای سیاسی درجات یا سطوح مختلف دارد ولی همه آنها برای آرامش و توسعه جامعه مفید و لازم است. شناخت این سطوح به پیشرفت فرآیند وفاق در جامعه کمک می‌کند. وفاق می‌تواند از لحاظ دامنه و اهداف حداقلی یا حداکثری باشد و از لحاظ

۱ مولانا

۲ بررسی موضوع “وفاق” از دیدگاه اسلام، که پیامبر گرامی آن (ص) رسالت خود را کامل کردن مکارم اخلاق اعلام می‌دارد (بعثت لاتمم مکارم الاخلاق) نیازمند فرصت و نشریه جداگانه‌ای است و در اینجا به ذکر نمونه‌های از آیات و نقل قول‌ها اکتفا می‌شود.

• و اعتصموا بحبل الله جمعاً و لا تفرقوا (آل عمران - ۱۰۳)

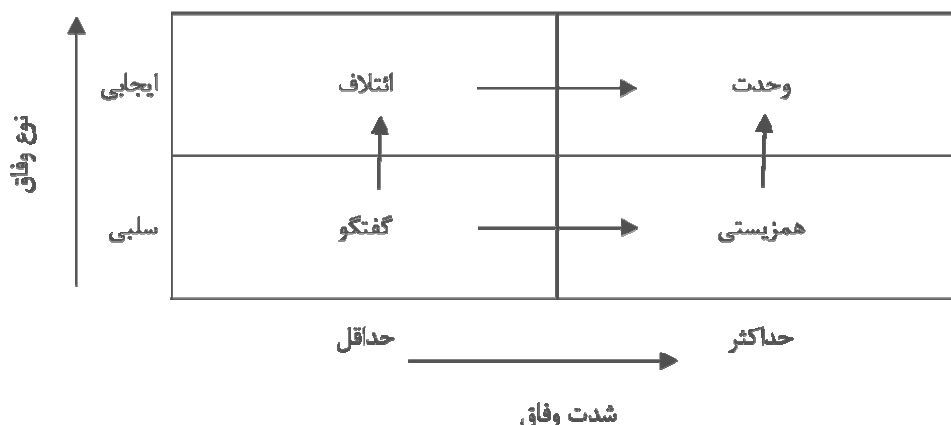
• فاعف عنهم و استعفروهم و شاورهم فی الامر (آل عمران - ۱۵۹)

• خذ العفو و امر بالمعروف و اعرض عن الجاهلین (اعراف - ۱۹۹)

• قل یا اهل کتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الله و لا نشیرک به شیاً و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون (آل عمران - ۶۴)

• و أشعر قلبک الرحمة للرحیه، و المحبة لهم، و اللطف بهم، و لا تكونن علیهم سبعا ضا کارباً تغتنم اکلهم، فانهم صنفان: اما آخ لک فی الدین أو نظیر لک فی الخلق (نهج البلاغه - نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر)

نوع همکاری بین گروهها و جناح‌های سیاسی سلبی یا ایجابی باشد. از این رو نیز چهار نوع نگرش نسبت به وفاق وجود دارد: (۱) “حداقلی- سلبی” (۲) “حداقلی- ایجابی”، (۳) “حداکثری- سلبی” و بالاخره (۴) “حداکثری- ایجابی”. نمودار زیر چهار حالت یا نگرش مذکور را نشان می‌دهد.



نمودار ۱

سطوح فرآیند وفاق ملی

حداقل شرایط لازم برای وفاق برای هر یک از درجات فوق، قبول سازگاری با یکدیگر، پای‌بندی به همکنشی‌های مدنی و پرهیز از هر نوع خشونت و تمامیت خواهی است.

توضیحی درباره حالات چهارگانه به شرح زیر لازم است:

حالت “حداقلی- سلبی” مبتنی بر گفتگو و تفاهم و یا همکاری میان گروهها و جناحهای مختلف بر محورهای سلبی موقتی نظیر موضع‌گیری علیه یک دشمن واقعی یا فرضی مشترک است. این نوع وفاق موقتی و گذرا و فاقد سازندگی و خلاقیت است.

حالت “حداقلی- ایجابی” مبتنی بر گفتگو و تفاهم برای تحقق پاره‌ای از اهداف مشترک کوتاه مدت است. وفاق در محور ایجابی حتی در کوتاه مدت عمیق‌تر بوده، سطح و پیوستگی بالاتر و ماندگارتری از همدلی و همکاری را نشان می‌دهد. وفاق در چنین سطحی ممکن است منجر به ائتلاف میان گروههای ناهمگن و در مواردی مانند ائتلاف در انتخابات یا اتحاد برای دفاع مشترک از کشور در برابر یک دشمن خارجی گردد.

حالت سوم نگرش “حداکثری- سلبی” حالتی است که گروهها براساس اصل “همزیستی مسالمت‌آمیز” براین باورند که هیچیک به تنهایی قادر به حفظ و بقاء و تحقق اهداف خود و جامعه نیستند، مگر از طریق حضور و فعالیت همزمان دیگر گروهها. در این نگرش احزاب و جناحهای سیاسی در چارچوب ضوابط قانونی و با حفظ احترام متقابل با یکدیگر به همکنشی می‌پردازند و ضوابط قانونی و تعامل مدنی بر رفتار آنها حاکم می‌باشد.

حالت چهارم نگرش “حداکثری- ایجابی” بوده، وضعیت را نشان می‌دهد که بین گروههای مختلف نه تنها توافق و تفاهم مطلوب در ارتباط با آرمانها، اهداف و خط‌مشی‌ها حاصل شده‌است، بلکه در جهت تحقق

خواسته‌های ملی نقش و وظیفه هر یک از گروه‌ها تعریف و طراحی گردیده و هر یک از آنان از نقشی که در توسعه (سیاسی- فرهنگی- اقتصادی) کشور ایفاء می‌نمایند، راضی و خرسندند و در تعامل و همکاری فعال بین گروه‌ها و جناح‌های سیاسی برای تحقق اهداف مشترک تلاش می‌نمایند. در این نگرش نیل به وحدت، آرمانی است که کلیه جناح‌ها و گروه‌های سیاسی آنرا پذیرفته و در راستای آن می‌کوشند. از آنجا که "وحدت" کامل وضعیتی قابل حصول، در کوتاه مدت نیست، در این نگرش "وفاق" فرآیندی است که به پیشرفت مستمر گروه‌ها و جناح‌های مختلف در نزدیک شدن به "وحدت" کمک می‌کند. اگر چه "وحدت" وضعیت مطلوبی است، اما قابل حصول کامل نیست و امکان تحقق آن، بویژه در ابتدای فرآیند وفاق، آن هم به طور "دستوری"، ممکن نیست.

نگرش حداکثری- ایجابی و نگرش خردگرایانه (حکیمانه) که قبلاً به آنها اشاره شده دارای ویژگی‌های مشترک و فراگیرتری نسبت به سایر نگرش‌ها هستند و به لحاظ اهمیت آنها از دیدگاه اعتقادی و عملی در اینجا مورد بررسی بیشتری قرار می‌گیرند.

در این نگرش اگر چه، به شرایط محیطی و تهدیدات خارجی، مانند احتمال حمله آمریکا توجه می‌شود ولی این تهدیدات علت دعوت گروه‌ها به گفتگو نیست. ممکن است این تهدیدات یکی از شرایط تشدید کننده باشد، ولی بهیچوجه شرط لازم یا کافی نیست. دلیل دعوت به گفتگو بین جناح‌ها و گروه‌ها ضرورت آن بعنوان اولین قدم در فرآیند وفاق است.

همچنین در این نگرش به تهدیدات سایر گروه‌ها و جناح‌های سیاسی و خطراتی که آنها ایجاد می‌کنند، به ویژه گروه‌های تندرو توجه می‌شود، ولی دلیل دعوت به وفاق و همزیستی ترس از حملات آنان نیست، بلکه این اعتقاد است که اختلاف دیدگاه و رقابت سالم بین گروه‌ها برای رشد و توسعه جامعه ضروری و حیاتی است. نقشی که هر یک از گروه‌ها و جناح‌های سیاسی می‌توانند ایفا کنند مکمل نقش و رسالت سایر گروه‌ها خواهد بود و حرکت جمعی و هماهنگ و رقابت‌آمیز آنان موجب فضای سالم سیاسی در کشور می‌گردد و امکان ائتلاف و وحدت و همکاری‌های سازنده را بین جناح‌ها فراهم می‌سازد.

در این نگرش منافع حاصل از همسویی با سایر گروه‌های سیاسی برای موفقیت در مبارزات سیاسی و کسب قدرت، علت ترویج و تشویق گفتگو و ائتلاف نیست. دلیل آن ضرورت انجام خدمات بزرگتر و دفاع موثرتر از منافع ملی و حضور آگاهانه در حفظ منافع و امنیت ملی و یا حیطی در عرصه‌های بین‌المللی و برداشتن گام‌های مثبت در جهت وحدت مسلمین در عمل و تحقق سایر هدف‌های ارزشمندی است که هیچیک از گروه‌ها یا سازمانها به تنهایی قادر به تحقق آنها نمی‌باشند.

در نگرش حداکثری- ایجابی، مردم و گروه‌هایی که چارچوب نظام را در یک قرارداد اجتماعی (قانون اساسی) پذیرفته‌اند و التزام خود را به آن اعلام داشته‌اند به خودی و غیرخودی تقسیم نمی‌شوند. احزاب و جناح‌های مختلف هر یک بجای عامل تهدید و خطر، برای دیگری ارزشمندترین سرمایه‌های جامعه برای تبادل نظر و اندیشه و تعامل اجتماعی و همکاری سازنده در عرصه‌های خدمت و میدان مسابقه خیر بوده، فرمان و آموزه الهی "فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ" را به نمایش می‌گذارند. در این نگرش ائتلاف و اتحاد برای تحقق هدف‌های کوتاه مدت به منظور شناخت و آمادگی بیشتر، جهت همکاری در راستای تحقق هدف‌های بزرگتر و ارزشمندتر و آرمانهای مشترک است.

در نگرش حداکثری- ایجابی وفاق فرآیندی است که طی آن از مراحل مختلف گفتگو، تفاهم، همزیستی، ائتلاف، اتحاد گذر نموده و مستمراً در راستای وحدت ملی گام برداشته می‌شود.

وضعیت ایدآل وفاق ملی: وحدت

”وحدت“ آرمانی است که تحقق آن غیر ممکن، ولی پیشرفت در جهت آن امکان پذیر است. شگفتی آور آن است که جامعه رضایت خود را از تلاش در راه رفع اختلافها و نزدیک شدن به وحدت و نه الزاماً رفع همه اختلافات و تحقق کامل وحدت کسب می‌کند.

به بیان دیگر، وضع مطلوب آن نیست که همه اختلافات حل شده باشد و یک جامعه تک صدا یا ایستا پدید آید، بلکه ایدآل، وضعیتی است که جامعه خواهان وحدت بوده، در جهت آن مستمراً تلاش و مجاهدت نماید. چنین جریانی را فرآیند ”وفاق“ و میزان نزدیک شدن به آرمان وحدت را، ”پیشرفت“ می‌خوانیم. جامعه‌ای که این راه را به رغم ناهمگنی‌ها و اختلافها با مدارا، تسامح، تساهل و تعامل‌های مدنی سریع تر، مطمئن تر و مستمرتر طی کند، توسعه یافته‌تر، سالم تر و مطلوب‌تر بوده، از دیدگاه ”وفاق ملی“، جامعه مورد انتظار و مطلوب در نظر گرفته می‌شود.

فاصله تا وضعیت مطلوب- موانع

گفتیم که جامعه ایدآل جامعه‌ای که کاملاً به وحدت رسیده باشد، نیست، بلکه جامعه‌ای است که فرایند وفاق و پیشرفت در مسیر وحدت را به شایسته‌ترین صورت، متناسب با امکانات خود، طی می‌کند. اما شرط قرار گرفتن جامعه در چنین مسیری، پذیرفته شدن وفاق ملی است. اما پذیرش ضرورت وفاق و تن در دادن به گفتگوهای همه‌جانبه، با موانعی جدی روبروست.

موانع جدی بر سر راه ایجاد فرایند وفاق کدامند و چه شرایط ایجابی برای تحقق آنها لازم است؟

گرچه موانع و شرایط مذکور بسیارند، ذیلاً به بعضی از مهمترین آنها اشاره می‌گردد:

موانع فرهنگی، از جمله فرهنگ استبدادی. در این فرهنگ، امور براساس تصمیم‌گیری از بالا به پایین انجام می‌گیرد و روابط عمودی (قائم) است. در حالی که در فرایند وفاق، به روابط هم عرض و افقی و تبادل نظر و تصمیم‌گیری جمعی و در مواردی تصمیم‌گیری از پایین به بالا نیاز است.

در فرهنگ استبدادی و جزم‌گرایی، که مانع و آفت اصلی وفاق است، مطلق‌گرایی نگرش عامل و مسلط است. امور، سیاه یا سفید مطلق، خوب یا بد مطلق، و حق یا باطل مطلق است و هر کس یا گروهی خود را سفید، خوب، حق و دیگری را سیاه، بد و باطل می‌بیند. انتظارات مطلق است، در حالی که در جوامع بشری، امور نسبی است و با قبول نسبیت باید دیگران را پذیرفت و همکاری کرد و به وفاق دست یافت.

موانع سیاسی، از جمله نبود شرایط گفتگوی آزاد بین مردم، متفکران و صاحبان اندیشه. رسانه‌های عمومی، بویژه مطبوعات و رادیو و تلویزیون باید نه تنها بحث‌های آزاد (و مسئولانه) بین گروهها و جناحهای سیاسی را فراهم ساخته و اجازه دهند، بلکه باید آنرا تشویق کنند. بدون تحقق چنین شرایطی فرایند وفاق فلج و ناکام خواهد شد.

تندروی و کم‌صبری، عدم توجه به این واقعیت که فرآیند وفاق نیازمند مفاهمه و توافق بین گروهها در زمینه‌های مختلف بوده، و نیازمند یادگیری و تحول درونی انسان‌ها است و این امور مستلزم صرف وقت و گذشت زمان و صبر و مداومت است، کلیه گروهها و سازمانها و مسئولین موثر در وفاق ملی بایدان خود صبوری و مدارا نشان دهند. به بیان دیگر وفاق ضرورتی است که به سرعت و سهولت بدست نمی‌آید.

مسلماً فرآیند وفاق نیازمند گردهمایی و گفتگوهای جمعی و نشست‌های مختلف با حضور انسانهای صاحب‌نظر و فرهیخته و دیدگاه‌های و نطه‌های فکری گوناگون است. اما در جامعه‌ای با تاریخ و فرهنگ استبدادی، تهدیدات گروههای تندرو و افراطی، تهدیدات فیزیکی و حملات غیرقانونی و ضرب و شتم شرکت‌کنندگان و تخریب اماکن و تضييع حقوق عمومی و خصوصی، که تا مدت‌ها می‌تواند همچنان ادامه یابد از موانع دیگر شکل‌گیری مطلوب فرآیند وفاق است. در شرایط انسداد سیاسی داخلی و تهدیدات جدی خارجی این نوع رفتارها بیش از پیش مخرب بوده، مقامات مسئول می‌توانند با جلوگیری از ابران خشونت‌ها و پیشگیری حملات به ایجاد فضای آرام در کشور کمک کنند.

فقدان مهارت‌های جمعی، فقدان یا کمبود دانش و مهارت‌های لازم برای گفتگو و تعامل و انتقاد مثبت و سازنده درون گروهی و میان گروهی بوسیله احزاب و گروههای سیاسی برای دست یافتن به توافق‌های عمیق و اقدامات عملی در جهت اهداف مشترک و در راستای منافع ملی یکی از موانع دیگر فرآیند مطلوب وفاق بشمار می‌رود. استفاده از صاحب‌نظران و متخصصین آموزش و پرورش در این زمینه و برگزاری گردهمایی درباره روشها، مهارت‌ها و آداب گفتگوهای جمعی با کمک وزارت کشور و خانه احزاب و همکاری گروهها لازم و مفید است.

تعصب‌های غیراصولی، اعتقادات غیراصولی و تعصب‌آمیز راه گفتگوهای اساسی و اصولی را سد می‌نماید. این نوع تعصب‌ها در اکثر گروههای سیاسی دیده می‌شود، به طوری که حتی اعلام آمادگی برای گفتگو با گروههای سیاسی مخالف تحمل نمی‌شود. اعلام آمادگی برای گفتگو با همه گروهها از جمله محافظه‌کاران خردگرا و حتی خشونت‌گرایان معادل سازش تلقی شده و موجب انواع ملامت‌ها می‌گردد، در حالی که احترام متقابل به اعتقادات یکدیگر تساهل و تسامح و انعطاف‌پذیری از شرایط لازم برای ادامه فرآیند وفاق به شمار می‌رود.

عدم امنیت، احساس نگرانی مردم، اندیشمندان، احزاب و گروهها از عواقب شرکت در بحث و گفتگوهای عمومی، بویژه تهدیدات مکرر گروههای غیرمسئول و حملات خودسرانه و یا احضارها و بازجویی‌ها و بازداشت‌ها، که در گذشته به گرات رخ داده است و احساس عدم امنیت قضایی و قانونی هزینه نزدیکی و گفتگو میان گروهها را به شدت بالا می‌برد و از مهمترین عوامل بازدارنده فرآیند وفاق ملی است. فراهم آوردن امنیت لازم برای مشارکت در این فرآیند، و شجاعت و شهامت در شکستن این جو ناسالم و اعلام آمادگی برای گفتگو از شرایط لازم برای موفقیت فرآیند مذکور است.

انتقاد منفی، انتقاد منفی بجای انتقاد مثبت و انتقادناپذیری برای اصلاح امور در سطوح مختلف از عوامل مخرب وفاق و انتقاد مثبت و مشفقانه لازمه پیشرفت فرآیند وفاق ملی است.

تفسیر نادرست از قانون اساسی و قانون احزاب و به رسمیت نشناختن بعضی از احزاب قانونی، منجر به عدم امکان فعالیت طبیعی و سالم احزاب سیاسی معترض و یا خارج از حاکمیت گردیده که خود یکی از

موانع جدی پیشرفت جریان وفاق است. رفع این موانع لازمه موفقیت وفاق ملی به مفهوم " همه با هم " است.

برتری جویی، برتری جویی و هژمونی بعضی گروههای سیاسی و عدم آمادگی برای مشارکت موثر در فرآیند وفاق، می تواند بعنوان تخریب و اختلال فرآیند وفاق ملی تلقی گردد. اصلاح دیدگاههای این گروهها و مشارکت همسان آنان در فرایند وفاق به موفقیت آن کمک بزرگی می نماید.

بسیاری از موانع مذکور، عوامل پایداری هستند، که با آغاز گفتگو بین گروهها و جناحهای سیاسی، چگونگی برخورد موثر با آنها طی فرآیند وفاق باید مورد بررسی بیشتر قرار گیرد و راههای تعدیل و تخفیف و رفع آنها جستجو گردد.

از کجا آغاز کنیم؟:

رابطه ای که براساس " وفاق ملی " بین گروهها و سازمانهای اجتماعی و سیاسی کشور بوجود خواهد آمد، با روابط عادی و متداول بین آنها تفاوت ماهوی دارد. قبول اصل " وفاق ملی " زمینه بحث و گفتگو را از گذشته به آینده و از اختلافات به وجوه و اهداف مشترک تغییر می دهد. این یک تفاوت بنیادین و ویژگی اساسی فرآیند وفاق ملی بوده، و کلیه گفتگوها و مذاکرات بایستی همواره زیر سایه آن جریان یابد. بنابراین، چون هدفهایی که در " وفاق ملی " دنبال می گردد، هدفهای مورد توافق کلیه گروهها و جناحها خواهد بود، همکاری گروههای مختلف میسر خواهد گردید. به این دلیل امید است فرآیند وفاق ملی هدفهای مشترکی را که قبلاً طی بررسی مفهوم وفاق و سطوح وفاق مطرح گردید، دنبال نماید. ولی در شرایط حاضر و برای آغاز جدی این فرآیند تلاش در محورهای زیر پیشنهاد می گردد:

آمادگی احزاب و گروههای سیاسی- اجتماعی برای شرکت در گفتگوهای چندجانبه و اقدام جدی برای گفتگو

رفع موانع و تامین حداقل شرایط لازم برای آغاز فرآیند وفاق بوسیله حاکمیت

تعریف و توافق در مورد چارچوب، اصول و مبانی فرآیند وفاق ملی و ارائه برنامه ای اصولی در جهت وفاق ملی

برای پیشرفت بسوی وفاق در سه محور فوق اقدامات زیر بعنوان جمع بندی برای آغاز فرایند وفاق ملی پیشنهاد می گردد.

احزاب و گروههای سیاسی موضوع وفاق ملی را با اولویت بالا در دستور کار خود قرار دهند و برنامه اصولی خود را در راه تحقق بخشیدن به " وفاق ملی " اعلام دارند.

با توجه به ضرورت کاهش تنش های سیاسی، قوه قضائیه اقدامات لازم را در جهت آزادی زندانیان سیاسی، لغو توقیف موقت بعضی از مطبوعات و آزادی فعالیت تمامی احزاب ملتزم به قانون اساسی به عمل آورد.

مجلس شورای اسلامی بعنوان بالاترین مرجع منتخب مستقیم مردم، در این راه پیشقدم گردیده و گردهمایی هایی از رؤسای فراکسیون های اکثریت، اقلیت و مستقل و ... نمایندگان احزاب و گروههای سیاسی

بیرون از حاکمیت تشکیل گردد تا با هدف تهیه «منشور وفاق ملی» حول محورهای منافع ملی، حقوق ملت، استقلال کشور، تمامیت ارضی، اعتلای نظام جمهوری اسلامی و حفظ آبرو و احترام ایران در صحنه جهانی به گفتگو پردازند.

احزاب و گروههای سیاسی و انجمن های دانشجویی با همکاری خانه احزاب نشست ها و گردهمایی عمومی به منظور روشن و قانع ساختن افکار عمومی نسبت به ضرورت وفاق ملی و خطرات ادامه وضعیت کنونی برگزار نمایند.

نهضت آزادی ایران گفتگو کردن با احزاب و گروههای سیاسی با دیدگاهها و مواضع مختلف و حتی متضاد را سازش نمی داند. بنابراین آمادگی خود را برای گفتگوهای چندجانبه با تمام گروهها و احزاب سیاسی، اصلاح طلبان درون و بیرون حاکمیت، محافظه کاران خردگرا یا خردگریز و حتی خشونت گرایان اعلام می نماید و آن را شرط اجتناب ناپذیر وفاق ملی می داند. طرح وفاق ملی بوسیله نهضت آزادی ایران، نه به قصد ورود و مشارکت در قدرت است و نه در رقابت با سایر احزاب و گروههای سیاسی، بلکه با هدف کاهش تشنجات سیاسی و پیش گیری از خطرات جدی ادامه وضعیت کنونی و اجرای اصلاحات اساسی است.

نهضت آزادی ایران با اعتقاد به ضرورت وفاق ملی، بعنوان یک استراتژی اساسی و یک ارزش متعالی، و با استعانت از خداوند رحمان و قادر متعال، و با دعوت از کلیه احزاب و گروهها و سازمانهای ذیربط برای نقد و اصلاح طرح مقدماتی حاضر و مشارکت و همکاری های عملی، تلاش خود را در راه پیشرفت فرایند وفاق ملی بکار خواهد برد. *ان اُریدَ الاّ الاصلاحَ ما استطعتُ*

نهضت آزادی ایران